

ایران پس از انقلاب

■ هوشنگ امیراحمدی - منوچهر پروین
■ علی مرشدی زاد
■ انتشارات باز

کتاب ایران پس از انقلاب (Post-Revolutionary Iran) مجموعه مقالاتی است که در سال ۱۹۸۵ در کنفرانس مرکز مطالعات و تحلیل مسائل ایران (سیرا) در دانشگاه نیوجرسی ارائه شده و در سال ۱۹۸۸ توسط انتشارات West View به چاپ رسیده است. مقصود اصلی کتاب ارائه تحلیلی در خصوص تحولات و وجود آمده در ساختارهای ایدئولوژیک، سیاسی و اجتماعی - اقتصادی در ایران پس از انقلاب است. نویسندگان این مقالات، هر کدام از بعدی خاص به وضعیت ایران پرداخته‌اند و این تنوع موضوعی مخاطبان بیشتری را به سمت خود فرا می‌خواند و برجذابیت کتاب می‌افزاید.

بخش نخست این کتاب به سیاست و ایدئولوژی اختصاص یافته است. ترتیب فصل‌بندی کتاب به گونه‌ای است که مقدمه (نوشته هوشنگ امیراحمدی) به عنوان فصل نخست ارائه شده است و در فصل دوم حمید دبایش به بحث درباره ایدئولوژی اسلامی و نقش آن در انقلاب پرداخته است. نویسندگان در این فصل شرایطی را که باعث شد اسلام به صورت یک ایدئولوژی انقلابی در آید مورد بررسی قرار می‌دهد و علل عمده را گسست میان اخلاق و سیاست در جوامع مسلمان به دلیل نفوذ غرب می‌داند.

نویسنده برای تحلیل ریشه‌های این ایدئولوژی جدید و نحوه شکل‌گیری آن، به بررسی آثار جلال‌الدین محمد دکندر علی شریعتی و

اجتماعی (لباس، رفتار، روابط زن و مرد) می‌نامیم تا اشکال یا فرم‌های سیاسی اسلامی.

فصل چهاردهم، «انقلاب فرانسه و خاورمیانه» دارای بخش‌های متفاوتی است: «تاثیر نظامی و سیاسی انقلاب» به موضوع درگیری‌های سیاسی مصر، امپراتوری عثمانی و ایران در جنگ‌های ناپلئون و توضیح این مساله که تا چه اندازه ناپلئون بر مصر تاثیر گذاشته است، می‌پردازد. در بخش «نفوذ سیاسی و روشنفکری عقاید انقلاب» توضیح می‌دهد که نفوذ مستقیم چندان مطرح نیست، بلکه افکار انقلابی یکی از تاثیرات غربی است که از نیمه قرن ۱۹ به بعد دارای اهمیت شد. اولین و مهم‌ترین غربزدگان در خاورمیانه، شخصیت‌های حکومتی بودند، اما آن‌ها با افراد مستقلی که دارای عقاید دموکراتیک و قانونی بودند و نیز بامتفکران انقلابی و روشنفکران، درگیر می‌شدند. مانند محتاوی در مصر، عثمانی‌های جوان و ملوک‌خان در ایران از این افراد بودند. اما همان‌طور که کنترل اروپا در خاورمیانه افزایش یافت، تمایلات ضد اروپایی نیز قوت گرفت. در قسمت دیگر این فصل، با عنوان «تاثیر انقلاب فرانسه بر شورش‌های خاورمیانه» آمده است که مشخص کردن تاثیر و نفوذ مشکل می‌باشد اما برای انقلابیون خاورمیانه انقلاب فرانسه بسیار شناخته شده است. در این قسمت جنبش‌های مختلف در دوره‌های متفاوتی ذکر شده است از جمله جنبش ترک‌های جوان در سال ۱۹۰۸ و انقلاب ایران در سال ۱۹۰۵-۱۹۱۱. به عنوان یک مدل انقلابی برای منطقه تا انقلاب سال ۱۹۱۷ روسیه که مدلی برتر از این انقلاب وجود ندارد.

فصل پانزدهم، «ضمیمه: شورش، مقاومت و جنسیت در جهان اسلام» به طور خلاصه به توضیح جایگاه پیشرفته زنان در بسیاری از قیام‌های مخالف شامل صوفیزم و برخی جنبش‌های بدعت‌گنار می‌پردازد. این فصل به اهمیت زنان و مسائل آن‌ها در جنبش‌های مختلف در دو قرن گذشته مثل ناسیونالیسم، جنبش‌های چینی، جنبش‌های طرفدار حقوق زنان و نهضت‌های اسلامی توجه دارد. زنان به فعالیت‌های نظامی وارد شده و اغلب همپای مردان در انقلاب‌های ایران، الجزایر، فلسطین و در جنبش نظامی «اسلامی» و «چینی» عمل کردند. دلایلی برای جذب بسیاری از زنان به جنبش‌های اسلامی مطرح شده و به عنوان تمایلات «فمینیستی اسلامی» از آن نام برده شده است.

این کتاب در مجموع به تجزیه و تحلیل جنبش‌های مخالف و بررسی انقلاب در جهان اسلام می‌پردازد. به تصویر کشیدن این تغییر و تحول، مهم‌تر از بیان مجموعه خصوصیات مورد نظر در این جوامع است. این تغییرات فقط با زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قابل درک و توجیه است.

* عنوان کتاب به زبان اصلی:

Iran and Muslim World:
Resistance and Revolution

این کتاب توسط دانشگاه نیویورک در سال ۱۹۹۵ به چاپ رسیده است. ترجمه این کتاب در دست انتشار است.

حداقل در دوین مرتبه اولویتی بهره می‌برند و درآمد نفت به‌ساله شهرنشینی، اختلاف‌های زیاد درآمدی، ارزش و ثروت آشکار کسانی که در مقابل ندای اسلام‌گرایان برای تساوی، سادگی و صداقت واکنش نشان داده‌اند، شتاب داده است. کشورهایی که آمادگی پذیرش اسلام را دارند، یک تجربه طولانی در مورد شکست حکومت‌ها و جوامع گذشته را داشته‌اند. اکثریت، تاثیر شدید و کنترل غرب و حکومت‌های سکولار غربی را تجربه کرده‌اند.

در ادامه مساله احیای سیاسی اسلامی، در فصل دهم، یازدهم، «دوازدهم» با عنوان «احیای اسلامی به مثابه جهان سومی» نشان داده شده است. این احیای بخشی از پیام‌های فرایند کنترل و استثمار جهان سوم توسط غرب است. احیای جهان سومی بر ملیت‌های استثمار شده یا مردم، بیشتر از «طبقات» تاکید دارد و حتی قویترین حکام محلی رادست‌آموختگان امپریالیست غرب می‌داند که توسط آمریکا هدایت می‌شوند. حقیقت‌هایی در این نقطه نظر وجود دارد اما با سادگی بیش از حد آمیخته شده است. اکثریت نظریه‌های استقلال و سیستم جهانی تاحدودی با اشکال جهان سومی فوق همخوانی دارند.

اسلام‌گرایی برخلاف ناسیونالیسم، شکلی جهان‌سومی دارد که بیشتر با طبقات سنتی و طبقه کم‌تر و ثروتمند مرتبط است. حتی بیشتر از دیگر اشکال جهان‌سومی، احیای اسلامی «استعمار فرهنگی» غرب را رد می‌کند. از چند جهت «اسلام» ایدئال کشورهای جهان سوم است. همچنین همه کشورهایی که اکثریت آن‌ها مسلمان هستند، در جهان سوم قرار دارند و کشورهای اسلامی مدت‌های طولانی درگیری‌هایی با مسیحیت غرب داشته‌اند. بسیاری از اسلام‌گرایان افکاری را از روشنفکران جهان سوم گرفته‌اند.

فصل سیزدهم با عنوان «اسلام، سیاست و شورش» بعضی ملاحظات غیرمتداول، به مخالفت با آنهایی که می‌گویند اسلام و سیاست جدایی‌ناپذیرند می‌پردازد و به همبستگی، بین «سیاست و دین» اشاره دارد؛ هرچند که این دو مقوله چند دهه بعد از مرگ پیامبر جدا شدند. حقیقت این است که در زمان حاضر، مذهب نقش سیاسی عظیم‌تری در جهان اسلام داشته تا مسیحیت در غرب. در جهان اسلام از همان آغاز سیاست‌های مذهبی غالباً مخالف و شورش‌ی بوده‌اند. اکثریت طرفداران اسلام می‌گویند مخالفت سیاسی در مقابل مذهب واقعی قرار می‌گیرد و حتی بدترین حکومت‌ها هم باید تحمل شوند و این بهتر از ناآرامی یا شورش است. به هر حال راه‌های اسلامی برای توجیه شورش وجود دارد اول وجود رهبری است که ادعای تجدیدن اسلام یا فرستاده مهدی بودن را دارد، شخصیتی که نه تنها توسط شیعه‌ها بلکه از جانب سنی‌ها نیز قابل قبول است و دیگر مقابله با رهبری کافر که جنگ با او مقدس باشد.

این تمایلات جهادگرایانه و مهدی‌گرایانه به شکل درگیری‌های نظامی در جهان سوم ظهور یافته است. در این حرکت‌های شورش‌ی، مذهب و سیاست ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. باید به این نکته توجه کرد که اسلام‌گرایان امروزی بیشتر با چیزهایی سر و کار دارند که ما آن‌ها را مسائل

آیت الله مطهری می‌پردازد.

در فصل سوم مقالتهی با عنوان چپ و انقلاب در ایران، تحلیلی انتقادی، توسط والتین مقدم ارائه شده است. نویسنده در این مقاله به اینتولوژی و عملکرد چپ در ایران می‌پردازد. مقدم ضمن ارائه تاریخچه‌ای از فعالیت گروههای چپ در طی انقلاب و پس از آن به انتقاد از عملکرد گروههای مارکسیستی مانند حزب توده فنیاییان خلق و... می‌پردازد و معتقد است آنچه باعث شکست چپ در ایران شد، اولویت دادن به اهداف ضد امپریالیستی در مقابل اهداف دموکراتیک و سوسیالیستی بود.

عدم آملگی نظری برای رویارویی با موضوعاتی چون انقلاب، سرکوب گروههای چپ توسط شاهنشاهی، نفوذ حزب کمونیستی ایران، ناتوانی گروههای چپ در ارائه بدیلی در مقابل پوپولیسم طرح شده توسط جمهوری اسلامی و فتنان و جدت در میان گروههای مختلف چپ از دیگر عوامل ناکامی چپ در ایران از نظر والتین مقدم است. اصف بیات در فصل چهارم در مقالتهی با عنوان کژو دموکراسی در ایران پس از انقلاب به بررسی رابطه میان جنبش‌های کارگری، دموکراسی و سیاست در ایران پس از انقلاب می‌پردازد. وی مدعی است که کارگران ایران پس از انقلاب از طریق شوراهای کاری توانستند شرایطی برای رشد دموکراسی در محیط کار فراهم آورند. ولی شوراها به دلیل تعارض میان اهداف کوتاه مدت و بلند مدت و نیز مخالفت دولت یا فعالیت آنها چندان دوام نیاوردند. شکست این شوراها باعث شد که در سطح کشور نیز فعالیت شوراها با وقفه مواجه شود. بیات وجود اینگونه سازمانها را برای نهادینه ساختن دموکراسی در کشور ضروری می‌داند.

نشاندهنده سیاست خارجی جمهوری اسلامی و از سوی دیگری تصویر جمهوری اسلامی ایران در جهان خارج هستند.

مجله امام توسط سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن منتشر می‌شده است. نویسندگان مقاله با استفاده از مفاهیم و ایده‌های موجود در علم ارتباطات به بررسی میزان تاثیر گذاری این کاریکاتورها می‌پردازند. این کاریکاتورها ماهیت غیر متعهد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهند. امریکا و صهیونیسم در این تصویر نوازش هم به تصویر در آمدند. نویسندگان مقاله معتقدند که این کاریکاتورها برای مخاطبان تحصیل کرده غربی بسیار سطحی، یکجانبه، منفی و مبتنی بر نظریه توطئه هستند. علاوه بر این، علم درک روشنی از ماهیت حوادث و روابط بین‌المللی ارائه دهند. علم استفاده از نمادهای بین‌المللی در این کاریکاتورها باعث قطع ارتباط بین فرهنگی می‌شود و مطالب آنها بیشتر برای ایرانیان و حاکمیت برای مسلمانان قابل فهم است. بخش دوم کتاب به بحث درباره نحوه اجرای اینتولوژی اسلامی اختصاص یافته است. مقاله نخست در این بخش که در واقع فصل هفتم کتاب را تشکیل می‌دهد اقتصاد سیاسی بر نامه ریزی اسلامی در ایران است که توسط سهراب بهداد نگاشته شده است.

نویسنده در این فصل به بررسی سیاست جناحی و تاثیر آن بر برنامه‌ریزی ملی توسعه در چارچوب یکمدل اقتصاد اسلامی می‌پردازد. وی معتقد است اگر چهره‌نامه‌ریزی اسلامی تا حدودی به سرمایه‌داری شباهت دارد ولی این مفهوم بیشتر دارای محتوای رادیکالیسم اسلامی و پوپولیسم است. هوشنگ امیراحمدی در فصل هشتم با عنوان ویرانی جنگ و بازسازی در جمهوری اسلامی ایران

نویسنده معتقد است به دلیل آنکه جمهوری اسلامی نتوانسته است تولیدات غیر نفتی خود را افزایش دهد و اقتصاد را تنوع بخشد، همچنان به نفت وابسته است و بدین ترتیب وابستگی به اقتصاد جهان نیز همچنان ادامه دارد

ارتش شاه دو کار کرد عمده داشت که هر دو باعث از میان رفتن مشروعیت ارتش در نظر اکثریت ایرانیان شد: یکی حفظ حاکمیت اقتداری شاه و دیگری محافظت از منطقه خلیج فارس به نفع ایالات متحده

فصل پنجم با عنوان ارتش و سیاست در جمهوری اسلامی ایران نوشته ناهرا انتصار به بررسی نقش نیروهای مسلح در ایران قبل و بعد از انقلاب اختصاص یافته است که در این تحقیق به نقش سپاه پاسداران نیز توجه شده است. انتصار معتقد است که ارتش شاه دو کار کرد عمده داشت که هر دو باعث از میان رفتن مشروعیت ارتش در نظر اکثریت ایرانیان شد: یکی حفظ حاکمیت اقتداری شاه و دیگری محافظت از منطقه خلیج فارس به نفع ایالات متحده. نامشروع بودن ارتش باعث شد که در طی انقلاب، ارتش بزودی از هم بگسلد. به اعتقاد انتصار، جمهوری اسلامی ایران کوشید با برکنار کردن تیمسارهای عالی رتبه و استخفاف نیروهای مذهبی تحولی در ارتش به وجود آورد و آن را به ارتشی مرمی تبدیل کند. در طی این فرایند ارتش جدید به شکل بی سابقه‌ای مذهبی و سیاسی شد.

فصل ششم که در واقع مقاله پایانی بخش نخست کتاب است با عنوان جمهوری اسلامی و جهنم، انگاره‌ها، تبلیغات، تمایلات و نتیجه نوشته انابل سربرینی - محمدی و علی محمدی به بررسی و تحلیل محتوای تعدادی از کاریکاتورهای ایرانی منتشر یافته در مجله امام چاپ لندن می‌پردازد. این کاریکاتورها که طی سالهای ۸۴ - ۱۹۸۰ انتشار یافته‌اند

نشاندهنده افزایش طلاق، کاهش سن واقعی ازدواج، افزایش موارد تعدد زوجات و نیز افزایش نرخ زاد و ولادت.

منوچهر پروین و مجید تقوی در فصل دهم به مقایسه میان اصلاحات ارضی در دوره شاه و جمهوری اسلامی می‌پردازند. در این فصل تاثیر اصلاحات ارضی در هر دو دوره مورد تولید و بهره‌وری کشاورزی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نویسندگان مقاله معتقدند که هدف از برنامه اصلاحات ارضی شاه تسری دادن سرمایه‌داری و وابسته به مناطق روستایی و نیز گسترش آن در مناطق شهری از طریق صنعتی شدن بود.

در نتیجه کشاورزی تحت الشعاع قرار گرفت و کشاورزان به کارگران روز مزد در مراکز صنعتی تبدیل شدند. در سالهای اولیه انقلاب تمامی اقدامات، به‌عنوان اصلاحات ارضی، غیر اسلامی تلقی شد و شورای نگهبان آنها را ممنوع اعلام کرد. از سال ۱۹۸۵ به منظور فائق آمدن بر سطح تولید پایین و مشکلات مربوط به مالکیت تعدادی از برنامه‌های اصلاحات ارضی به اجرا گذاشته شد.

مایکل رنر در فصل یازدهم با عنوان عنصر تعیین کننده سیاست نفتی جمهوری اسلامی ضمن اشاره به عوامل بین‌المللی تاثیر گذار بر سیاستها و تحولات داخلی، به بررسی عناصر عمده تعیین کننده سیاستهای نفتی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. و بر ماهیت و میزان وابستگی ایران به بازار جهانی نفت به‌عنوان عاملی مهم تاکید می‌ورزد. رنر چنین نتیجه می‌گیرد که به دلیل اینکه جمهوری اسلامی نتوانسته است تولیدات غیر نفتی خود را افزایش دهد و اقتصاد را تنوع بخشد همچنان به نفت وابسته است و بدین ترتیب وابستگی به اقتصاد جهانی نیز همچنان ادامه دارد. این وابستگی به نفت طی جنگ با عراق و نیز با کاهش بهای نفت از سال ۱۹۸۶ خود را به وضوح نشان داده است. جمهوری اسلامی ایران تحت این شرایط بتدریج سیاست نفتی واقع‌گرایانه‌تری اتخاذ کرده است.

در فصل دوازدهم مهرداد ولی بیگی در مقالتهی با عنوان روابط تجاری ایران و آمریکا پس از انقلاب به بحث درباره تاثیر گروگانگیری و بلوکه شدن خرابی‌های ایران می‌پردازد.

وی معتقد است که فشارهای مالی حاصل از جنگ تحمیلی و وابستگی تکنولوژیک صنایع و ارتش ایران به آمریکا از عوامل مهم استمرار روابط تجاری میان ایران و آمریکا بوده است. ایالات متحده به دلیل منافع استراتژیک خود در منطقه و نیز به دلیل اینکه ایران را یک قدرت منطقه‌ای و یک دولت ضد شوروی می‌دانسته است این روابط را تقویت نموده است. ولی بیگی با استناد به قضیه ایران گیت معتقد است که تمایل دو جانبه برای استمرار روابط اقتصادی همچنان باقی خواهد ماند.

در فصل سیزدهم کتاب که در واقع نتیجه‌گیری محسوب می‌شود با عنوان انقلابهای طبقه متوسط در جهان سوم هوشنگ امیراحمدی کوشیده است واقعات و ایده‌های مربوط به انقلاب اسلامی ایران و دیگر انقلابهای طبقه متوسط در جهان سوم را در چارچوبی مقایسه‌ای و جامع مورد بررسی قرار دهد. وی در تلاش برای کشف علل و ریشه‌های انقلاب به مجموعه‌ای از عوامل ملی و بین‌المللی اشاره می‌کند. وی تاکید دارد که برای درک عمیق‌تر ایران پس از انقلاب باید به گونه‌ای مقایسه‌ای، همراه با شیوه‌های تجربی - تاریخی و در چارچوب تعارضات میان امپریالیسم و انقلابهای جهان سوم به مطالعه ایران بپردازیم. نویسنده چنین نتیجه می‌گیرد که با فرض ترتیبات بین‌المللی کنونی و سیاست داخلی کشورهای جهان سوم، انقلابهای طبقه متوسط، شناسی واقعی برای تحقق آرمانهای خود به شکل جامعه طبقه متوسط پس از انقلاب ندارند.

این کتاب در ۲۶۲ صفحه در سال ۱۹۸۸ توسط West view press انتشار یافته است و هم اکنون در معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دست ترجمه است که به زودی روانه بازار نشر می‌گردد.